

## اعداد در ادبیات شفاهی مردم دستجرده کهک قم

### «امثال و اصطلاحات»

مصطفی جعفرزاده\*

#### مقدمه

اعداد حساسی از جمله عواملی هستند که در قلمرو فرهنگ عامه به نوبه خود از جایگاه خاصی برخوردارند، به ویژه اینکه در بسیاری از امثال و اصطلاحات گویش مردم و همینطور در برخی از بازی‌ها و سرگرمی‌هایی که در میان گروه‌های سنی مختلف رایج است اعداد اغلب در ارقام یکان و دهگان و گاهی بر حسب نوع بازی و نظم و ترتیب عبارات گویشی در ارقام دیگر به کار می‌آیند که در این موضوع با استفاده از مطالب و موارد دیگر گردآوری شده در خصوص اعداد و با استناد به موضوعات دیگری که از واژه‌های اعداد در آنها استفاده شده به جایگاه خاص آنها در چند مطلب جداگانه اشاره می‌شود.

- ۱- یه سوزن به خودت بزن. یک جوالدوز به مردم = یک سوزن به بدن خودت فروکن یک جوالدوز به بدن مردم  
کنایه از اینکه هر بدی را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند و بدخواه دیگران نباش و یا اینکه درد و مشکلات دیگران را از آنچه که بر سر خودت آمده درک کن و خود را عامل ایجاد مشکلات بیشتر مردم مکن.
- ۲- شانس یک بار در خونه رُ می‌زنه = بخت و اقبال یک بار در خانه را می‌زند.  
مراد اینکه روزی و اقبالی که به خانه‌ات آمد آن را بپذیر و پشت پا مزن که شاید دیگر بهتر از آن برایت میسر نشود. این مثل بیشتر در مورد خواستگاری یک جوان نجیب به خانواده دختر به کار می‌آید.
- ۳- زن یکی خدا هم یکی. یا مرد یکی خدا هم یکی

این اصطلاح هم در مورد مشکلات تجدید فراش مردان و سازگاری و تفاهم زن با شوهر اول به کار می‌آید.

۴- یه نه بگو نه ما سرِ دل نگیر = یک نه بگو نه ماه تمام بر دل مگیر

منظور نگهداری فرزند در شکم است که با قبول امر ازدواج باید مادر آن را تحمل کند و کاربرد این مثل درباره عدم قبول کاری است که انسان قادر به انجام آن نیست.

۵- آگه یکی یه مَنه شد دیگری باید نیم مَنه بشه = اگر یک نفر وزنه یک مَنه بود دیگری باید وزنه نیم مَنه باشد

مراد اینکه اگر دو نفر درباره مشکل و اختلافی نسبت به همدیگر سماجت و لجبازی نشان دهند، آن مشکل و اختلاف شدیدتر خواهد شد و بهتر آن است که لاقبل یکی از آنها انعطاف‌پذیر باشد تا اختلاف موجود حل شود. اغلب در مورد زن و شوهر گفته می‌شود.

۶- یک سال بخور نُونِ تره صد سال بخور نون کره = یک سال بخور نان تره (سبزی) صد سال بخور نان کره

مراد قناعت در زندگی است که انسان باید سال‌های اول زندگی با قناعت زندگی کند تا عمری را در رفاه و آسایش باشد.

۷- صد تا سَبو می‌سازه یکیش دسته نداره = فلانی صد عدد سبو می‌سازد و یکی از آنها دسته ندارد

کنایه به کسی که در عهد و پیمان او امید عمل نیست و از خود حسن اعتمادی نشان نداده است.

۸- سنگ سر جای خودش هزار مَنه = سنگ در جای خود هزار مَن است.

منظور وقار و متانت شخص است، البته به شرط اینکه با رفتار ناشایسته، خود را سبک و بی‌احترام نکند.

۹- یکی بود و دو تا شد، ناشکری کردم سه تا شد

کسی که در اثر ندانم‌کاری و یا پیشامد روزگار دچار چند دردسر و مشکلات زندگی شود و همه در یک زمان باشند.<sup>(۱)</sup>

۱۰- تو هف آسمون یک ستاره نداره = در هفت آسمان یک ستاره هم ندارد

۱۱- صنار می‌خواد تا سه شاهی = صنار نیاز دارد تا ثروت او سه شاهی شود.

این دو مثل شبیه هم هستند.

۱۲- همیشه هشتش گروی نُهشه = همیشه هشت یارو در گرو نه اوست

کنایه به کسی که دخل او در برابر خرج او اندک است و هیچگاه رونقی در زندگی ندارد.

۱۳- یک سر داره هزار سودا = مراد کسی که مشغله‌اش زیاد است و یا در قید وفای به عهد نیست

مصدق تمثیلی که می‌گویند: سه پلشت آید و زن زاید و مهمان برسد

خبر مرگ پسر عمه ز کرمان برسد

۱۴- کارد منو هزار من خربوزه= تنها کارد من و هزار من خربزه

مراد کسی که بیش از حد توان از خود تعریف می‌کند

۱۵- دنیا هزار رُو داره و یا دنیا هزار جور سرازیری و سربالایی داره

مراد آینده‌نگری انسان در زندگی است که همیشه با دانایی و قناعت به فکر آینده خود باشد.

۱۶- یک صناری به هف گوشه دلش بنده= یک سکه صناری به هفت گوشه دل او چسبیده است

این مثل هم کنایه از آدم‌های خسیس و پول‌دوست است.

۱۷- گاب نُه من شیر است= فلانی گاو نُه من شیر است<sup>(۱)</sup>

مراد کسی که کاری و خدمتی را به نفع دیگران انجام می‌دهد ولی با نهادن منت و یا انجام کاری خلاف ارزش، اثر کار مثبت را از بین می‌برد.

۱۸- صد نفر رُ می‌بره لب آب تشنه برمی‌گردونه= صد نفر را تا لب جوب آب می‌برد ولی با لب تشنه آنها را می‌آورد.

مراد آدم‌های زیرک هستند که در پی نفع خود دیگران را فریب می‌دهند.

۱۹- مرگ یکبار شیون هم یکبار= مراد اینکه باید هر مشکلی را با هرگونه عاقبتی که دارد از میان برداشت.

۲۰- یک انگشت که تو گوش کنی عالم خبر داره= یک انگشت که داخل گوش رود همه مردم عالم باخبر می‌شوند.

مراد خبرچینی مردم در مورد امور و اسرار دیگران است.

۲۱- بره دو مادره‌ست<sup>(۲)</sup>= بره دو مادره است.

کودک و فرزندی که از طرف دو خانواده و خویش مورد محبت و رسیدگی قرار می‌گیرد و اندامی قوی و وصفی آراسته دارد.

۲۲- یک پا داشت دو تا هم قرض کرد= مراد کسی که به موقع از صحنه کارزار فرار می‌کند.

۲۳- بدبخت در جهان کسی است که دَخَلش بود نوزده خرجش بود بیست

منظور کسی که خرج زندگی او در مقابل درآمدش کمتر باشد و چنین کسی همیشه دچار مشکل خواهد بود.

۲۴- یک دست صدا نداره= مراد اینکه بدون اتحاد و کمک دیگران کاری از کسی ساخته نیست.

۲۵- با یک دست دو هندونه رُ نمی‌شه برداش= با یک دست نمی‌توان ۲ عدد هندوانه را از زمین برداشت.

۲۶- قربون هف تا دختر کور= قربان هفت دختر کور

---

۱- می‌گویند گاوی بود که هر روز ۹ من شیر می‌داد و در آخر با لگد زدن، ظرف شیر را روی زمین می‌ریخت.

۲- بره کوچک و شیری که از پستان دو مادر شیر می‌خورد و نسبت به بره‌های دیگر چاق‌تر است.

- مراد پسران تنبل و خانه‌نشین هستند که به جای کار و بازی در خارج از خانه دائم سربرار و مزاحم خانواده‌اند.
- ۲۷- انگار از سر هفت تا دختر کور گرفتنش = مثل اینکه او را پس از هفت دختر کور از خدا گرفته‌اند.
- این مثل هم در مورد پسر بچه‌های لوس و خودخواه گفته می‌شود که والدین او اهمیتی به رفتار ناپسند او نمی‌دهند.
- ۲۸- انگار هفت ماهه به دنیا آمده = مثل اینکه هفت ماهه به دنیا آمده است
- مراد کسی است که صبر و تحمل هیچ کاری را ندارد و به دلیل نداشتن صبر زودتر از موعد مقرر از شکم مادر متولد شده.
- ۲۹- آگه هفت تا دختر کور داشته باشه شوور می‌ده = فلانی با زبان چرب و نرم خود هفت دختر کور را هم به خانه بخت می‌فرستد.
- ۳۰- هَف گوشه دلش راضیه = هفت گوشه دل او راضی است.
- مراد رضایت دل کسی در قبول امری است که در بیان آن ملاحظه و پروا نشان می‌دهد.
- ۳۱- مِثِ سرکه هف ساله می‌مونه = مانند سرکه هفت ساله است = منظور چیز خیلی ترشی است.
- ۳۲- آدم سیر تا شصت لقمه می‌خورد = اصطلاحی که در تعارفات کنار سفره به زبان می‌آید.
- ۳۳- چیزی که به سه نشه به چار هم نمی‌شه = کاری که در سه نوبت انجام نشود در نوبت چهارم هم انجام نمی‌شود.
- ۳۴- عقلی که به چل نیاد به هفتادم نمی‌آد = عقل انسان اگر تا چهل سال کامل نشود تا ۷۰ سال هم کامل نمی‌شود.
- ۳۵- آدم عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود.
- مراد اینکه شخص عاقل در هر کاری که ناآگاهانه انجام دهد بیش از یک بار زیان نمی‌بیند.
- ۳۶- یک گوشش دره اون یکیش درووزه = یک گوش فلانی در است و گوش دیگرش دروازه کسی که گوشش به حرف دیگران بدهکار نیست و توجهی به پند و اندرز دیگران ندارد.
- ۳۷- انگار هف بار راه رهق<sup>(۱)</sup> رفته تا این بچه ر گرفته = مثل اینکه هفت مرتبه راه رهق را رفته تا این فرزند را گرفته است.
- کنایه به کسی که بیش از حد معمول فرزند خود را ناز و نوازش می‌کند و به تغذیه و سر و وضع او اهمیت می‌دهد.
- ۳۸- آگه هفتاد سال سیاه او ر نینم انگار الان توی گوشم زده = اگر هفتاد سال او را نینم مثل اینکه الان به گوشم زده این مثل را کسی می‌گوید که از دیدن کسی دیگر به دلیل اختلافات قبلی نفرت دارد.
- ۳۹- انگار تخم دو زردینه داره = مراد کسی که از انجام کاری کوچک به خود می‌بالد و یا دیگران از او تعریف می‌کنند.

۱- rahaq: نام یکی از آبادی‌های تابع شهرستان کاشان است که از طریق راه صعب‌العبور کوهستانی که گردنه مرتضی در مسیر آن قرار گرفته به آبادی‌های این منطقه ارتباط دارد و کاسبان محلی دوره‌گرد به وسیله چهارپایان از این راه رفت و آمد می‌کنند.

۴۰- از هفت آغل<sup>(۱)</sup> که بگذره یک پشکل به دهن نمی‌گیره = از هفت آغل که بگذرد یک فضله گوسفند به دهان نمی‌گیرد.

از باب طعنه درباره کسی گفته می‌شود که مردم ناشناخته از خوبی و نجابت او یعنی ایمان و پاکی او تعریف می‌کنند.

۴۱- به یک زبون صد جور حرف می‌زنه = با یک زبان صد رقم سخن می‌گوید

مراد کسی که بی‌جهت و بی‌اساس در اجتماع سخن‌چینی می‌کند و فرصتی به دیگران نمی‌دهد.

۴۲- خودش اینجاس دلش هزار جاس = خودش اینجا هست دلش هزار جای دیگر است.

منظور کسی که به دلیل مشغله‌های فراوان فکر و حواسش دائم در جای دیگر است، اما ظاهراً گوش به سخن دیگران می‌سپارد.

۴۳- صبر کوچیک خدا چل سال است = صبر اندک خداوند در برابر عظمت و معصیت بندگان چهل سال است.

۴۴- هزار دوست کم است و یک دشمن زیاد

۴۵- فُحشم آگه می‌دی دو تا بده = اگر فحش هم می‌دهی دو تا بده

معمولاً این اصطلاح در مهمانی‌ها به منظور درخواست جای دوم گفته می‌شود تا صاحبخانه جای دوم را فراموش نکند.

۴۶- دوست منو یاد کنه یک هل پوچ = دوست به فکر من باشد ولو با یک دانه گیاه هل بدون مغز

۴۷- همه شون سَرشون توی یک آخور<sup>(۲)</sup> است = سر همه آنها داخل یک آخور است.

منظور گروهی که در یک امر و یا اختلاف انگیزی با همدیگر هم‌عقیده و هم‌پیمان هستند و هیچ مسالمتی نمی‌پذیرند.

۴۸- همه شون سر و ته یک کرباسن = همه آنها سر و ته یک پارچه کرباسی هستند (معادل و شبیه مثل قبل است)

۴۹- به یک کِشَمِش گرمِش می‌گیره به یک نموره سردش می‌گیره = با یک دانه کشمش مزاج او گرم می‌شود و با یک دانه نموره سرد.

منظور کسی که مزاج شکمی و یا اخلاقی او با هیچ طبیعت و اخلاقی سازگار نیست.

۵۰- هفتادوهف ابرگسی چسبیدن به لنگ مگسی داد می‌زدن از بی‌کسی

هفتاد و هفت نفر ابرگسی پای یک مگس را گرفته بودند و باز هم از بی‌کسی فریاد می‌زدند

کنایه‌ایست به کسانی که در انجام یک کار کوچک افراد زیادی را به کمک می‌طلبند.

۵۱- همیشه یک قُرْت نیمش باقیه = اصطلاحی در مورد آدم‌های زودرنج و پرتوقع

۵۲- انگار هفتاد سال قحطی رُو گذرونده مثل اینکه هفتاد سال قحطی را گذرانده است

مراد کسی که به مال مفت تعادل خوراک را رعایت نمی‌کند «انگار از سال قحطی جسته است»

۱- حفره‌های کوچک و بزرگی که به تناسب نوع دام‌ها در دیوارهای اطراف مکان نگهداری دام و مخصوص خوراک علوفه دام‌ها ایجاد می‌شود.

۲- مکانی برای نگهداری دام در صحرا که به صورت زیرزمینی (کنده) و یا بصورت چهاردیواری در روی زمین بنا می‌شود.

- ۵۳- همیشه در روی یک پاشنه نمی چرخه = همه اوقات در بر روی یک پاشنه حرکت و گردش نمی کند.  
منظور روزگار است که همواره وفق مراد گروهی بی نیاز نیست و خواه ناخواه انسان‌ها نیازمند کمک همدیگر می شوند.
- ۵۴- یک بز که از جُوغ پیره همه بزها می پرند = یک بز که از جوب بگذرد همه بزها می گذرند.  
این مثل درباره تقلید و چشم هم چشمی مردم به کار می آید.
- ۵۵- پنج انگشت آدم مثل هم نیست = مراد اینکه همه انسان‌ها دارای صفات و اخلاق مثل هم نیستند.
- ۵۶- آب که از سر گذشت چه یه وجب چه صد وجب = آب که از سر گذشت چه در اندازه یک دست و چه به اندازه صد دست منظور از دست رفتن آبرو و حیثیت است که کم و زیاد آن تفاوتی ندارد.
- ۵۷- چل تا باجناق توی یک باغ بودن همه شونو گرگ خورد = چهل نفر باجناق را در یک باغ گرگها خوردند.  
منظور حسادت و دوگانگی بین باجناق‌هاست که اغلب با همدیگر اختلاف دارند.
- ۵۸- به مالت نناز به یک شب بنده به حُسن نناز به یک تب بنده  
منظور اینکه کسی نباید به مال و جمال خود مغرور باشد، چرا که برای هیچکدام تضمین بقا وجود ندارد.
- ۵۹- یک کلام بگو یک کلام بشنّف = گاهی در مشاجره‌ها و بحث‌ها طرفین به زبان می آورند.
- ۶۰- یک سیب رُ که از بالا بندازی هزار چرخ می خوره = یک سیب را که از بالا به زمین رها کنی هزار چرخ می خورد تا به زمین برسد.  
منظور چرخ روزگار است که انسان نمی تواند به آینده خود خوش بین یا بدبین باشد.
- ۶۱- حرف حساب رُ یکبار به گوش آدم می زند = منظور اینکه انسان باید پذیرای حرف حساب باشد و سماجت نشان ندهد.
- ۶۲- قانون خدا دو تا نمی شه = منظور اینکه دستورات و قوانین الهی را نمی توان مخالف آنچه که در کتاب آمده تغییر داد.
- ۶۳- مال آدم یه جا می ره ایمون آدم هزار جا = مال انسان را یک نفر می برد ولی ایمان انسان به هزار جا می رود.  
منظور نسبت دادن گناه به دیگران در مورد مال مفقود شده است که کسی از آن آگاه نیست.
- ۶۴- یک آدم نادان که سنگی را داخل چاه بندازه ده تا آدم عاقل نمی توانند آن سنگ را خارج کنند.
- ۶۵- یکیش چه گلی به سرم زده که دومیش بزنه = آن یکی چه گلی بر سرم زده که دومی بزند  
درباره فرزند یا همسر ناسازگار و ناهل گفته می شود که دومی هم ممکن است مثل و یا بدتر از اولی باشد.
- ۶۶- هزار جور حرف می زنه یکیش پایه نداره = «شبیبه و معادل صدتا سبو می سازه»
- ۶۷- یکی که بگی ده تا روش می زارم پست می گم = یک حرف ناحساب اگر بگویی ده تا اضافه تر از آن خواهم گفت

- ۶۸- از دهن تا گوش یه وَجَبَه = فاصله دهان تا گوش یک وجب است. کنایه به کسی که بلند صحبت می‌کند.
- ۶۹- دُمِ الاغ رُ از هر طرف متر کنی سه چارکه = دم الاغ را از هر طرف متر کنی ۳ چارک (۷۵ سانتیمتر) است. منظور انجام کاری است که به هر دو صورت انجام شود تفاوتی ندارد.
- ۷۰- همه رُ با یک چشم می‌بینه = منظور کسی که در ابراز محبت و یا کسب و کار خود همه مردم را یکسان می‌بیند.
- ۷۱- دو چشم داره چارتام قرض کرده = منظور کسی است که زنان و دختران نامحرم را در جمع نگاه می‌کند.
- ۷۲- چار چشمی داره نگاه می‌کنه = کنایه به کسی که نگاه نامحرم می‌کند و یا کار دیگران را زیر نظر گرفته است.
- ۷۳- یه شکم و دو مَنَت نکن = اصطلاحی که معمولاً در ضیافت‌ها از باب تعارف به میهمان گفته می‌شود تا شکم را سیر کند.
- ۷۴- یه دل نه صد دل = اصطلاحی که معمولاً در میان قصه‌ها فزونی عشق را بیان می‌کند.
- ۷۵- هف مرده حلاج = هفت مرده حلاج است = منظور کسی که به سبب دانایی و زیرکی کلاه سرش نمی‌رود و مظلوم واقع نمی‌شود.
- ۷۶- هف خط و خاله = این اصطلاح هم گاهی با تشبیه مار هفت خط و خال درباره آدم‌های زیرک و دانا به کار می‌آید.
- ۷۷- یه چشم تو رومه = یک چشم در صورت دارم. کسی دارای یک فرزند یا برادر است و او را عزیز می‌دارد.
- ۷۸- یه روده راس به دلش نیس = یک روده راست در شکمش نیست - کنایه به کسی که در دروغ‌گویی زبانزد مردم است.
- ۷۹- سکه یه پولش کردم = این حرف را کسی می‌گوید که شخص مخالف خود را در جمع مردم ناسزا گفته و عقده خود را خالی کرده
- ۸۰- یه چشمش اشکه یکیش خون = یک چشم خون است و یکی دیگر اشک. به کسی می‌گویند که در غم و اندوهی به سر می‌برد.
- ۸۱- یه گوشه دلم خونه یکیش خونابه = کسی می‌گوید که در مقابل گرفتاری و مصیبت بزرگ قرار گرفته است.
- ۸۲- یه ور، یه دنده. = هر دو مورد اصطلاحی هستند که درباره اشخاص سخت و سمج به کار می‌آیند.
- ۸۳- دل و می‌زنم به دریا به صدتا قل هو الله = کسی که می‌خواهد دست به کاری مهم و شاهکار بزند یا با شخصی مهم روبرو شود.
- ۸۴- یه صبر و دو فوت = یک صبر و دو فوت کنایه به کسی است که هنگام بلعیدن یک نوشیدنی و غذای خیلی داغ و دهان‌سوز داغ بودن آن را به شکوه از سوزش دهان ابراز می‌کند و یا جویری وانمود می‌کند که دیگران متوجه نشوند.<sup>(۱)</sup>
- ۸۵- با یک من غسل نمی‌شه خوردش = با یک من غسل نمی‌شود فلانی را خورد

۱- می‌گویند شخصی در خانه‌ای میهمان بود. پس از نوشیدن چای داغ برای اینکه کسی متوجه سوختگی دهانش نشود نگاهی به سقف خانه کرد و خطاب به صاحبخانه گفت: خانه‌ات چند تا تیر دارد؟ و صاحبخانه که متوجه او شده بود در جواب گفت: «یه صبر و دو فوت.» یعنی اینکه کمی باید صبر می‌کردی و پس از فوت کردن به چای آن را می‌نوشیدی.

- منظور کسی که روی و اخلاق خوش ندارد و به اصطلاح آدم بدعنتی است.
- ۸۶- با یک من آب گندیده می‌شه خوردش = با یک من آب کثیف و گند گرفته می‌توان فلانی را خورد.  
برخلاف اصطلاح قبل منظور آدم خوش خلق و روی است.
- ۸۷- سه کار در دنیا ننگ است: دزدی، هیزی، گدایی و دیگر هیچ کاری ننگ و عار نیست.
- ۸۸- هر نخودی یک بخور داره = هر آدم نخور و کم‌گذشت یک نفر آدم بخور دارد = منظور وارث است
- ۸۹- یکی می‌مرد ز درد بی‌نوایی      یکی می‌گفت خانم زردک می‌خوای  
هنگامی به زبان می‌آید که شخصی بی‌خبر و بی‌خیال با کسی که گرفتار مصائب و مشکلات است قصد مزاح دارد.
- ۹۰- یک بار جستی مَلَخَه دو بار جستی مَلَخَه بار سوم چوغ<sup>(۱)</sup> و فَلَکَه  
تمثیلی مصطلح عامه مردم که منظور نهی کردن از خطا به طور مکرر است، زیرا عاقبت فرد خطاکار به دام می‌افتد.
- ۹۱- هزار جور قُلْ آعُوذْ خوند = هزار رقم قُلْ آعُوذْ خواند  
کسی می‌گوید که برای انجام کاری از صاحب کار و یا کسی دیگر غُر و لُند شنیده است.
- ۹۲- هزار تا بالاخونه سرم ساخت = هزار عدد بالاخانه بر سرم ساخت  
کسی می‌گوید که برای درخواستی از کس دیگر زیر بار منت فراوان رفته است.
- ۹۳- نخورده یک حرف داره خورده هزار و یک جور حرف  
مراد نانی است که اگر کسی به شکم دیگران نکند فقط یک گله دارد اما وقتی مردم بخورند هر کس عیب و ایرادی را بازگو می‌کند.  
این اصطلاح اغلب در مورد ضیافت‌هایی گفته می‌شود که جهت ولیمه عروسی یا عزا یا هر امر دیگر می‌دهند.